



## دل‌بسته ایران

### گفت‌وگو با سیبیل و نکر درباره هامرپور گشتال شرق‌شناس اتریشی به بهانه بزرگداشت او در تهران

#### یادداشت مهمان

#### سنت ۲۷۰ ساله

#### از آکادمی شرق‌شناسی تا آکادمی دیپلماتیک وین



سیبیل و نکر  
رایزن فرهنگی اتریش در تهران

امپراتریس ماریا ترزیا ۲۷۰ سال پیش، به سال ۱۷۵۴، آکادمی شرق‌شناسی وین را بنیان گذاشت. این آکادمی نخستین نهاد دولتی تربیت دیپلمات بود. از درون این مجموعه سپس تر آکادمی کنسولی پایه‌گذاری شد و از پی‌اش سرانجام به سال ۱۷۶۴ طرح آکادمی دیپلماتیک وین را ریختند. آکادمی در سطح جهانی دیرپاترین انستیتوی از نوع خود است که همچنان فعالیت دارد و نهادی تربیتی در راستای پیشرفت‌های بین‌المللی است.

«مشرق‌زمین» با امپراتوری‌های عثمانی و پارس برای حکومت هابزبورگ از مناطق کلیدی محسوب می‌شد. نخستین مدیران آکادمی شرق‌شناسی به نام بودند و این امر جهتی تازه و مفاد درسی ترکی-عربی-فارسی در پی داشت. دانش‌آموختگان آکادمی نیز بازتاب‌دهنده سویی شرق‌مدارانه‌اش بودند. آکادمی شرق‌شناسی تا سال‌های پایانی سده نوزدهم در علوم مربوط به مشرق‌نه‌تها شرق‌شناسی تراز اول در کسوت دانشجو و آموزگار و کارمند رسمی پرورش داد، بلکه کارهای دیگری نیز در این رشته سامان داد. مجموعه‌ای ارزشمند از اسناد و نوشته‌ها و واژه‌نامه در کنار حدود دو هزار «مثل عثمانی» گردآوری و ترجمه شده، که امروز در بایگانی دربار و دولت و انستیتوی شرق‌شناسی دانشگاه وین نگهداری می‌شوند، گواهی‌اند بر این مدعا. یوزف فرایهر فون هامرپورگشتال (۱۷۷۴-۱۸۵۶) که مبنای فعالیت بنیاد هامرپورگشتال در وین است از نامدارترین دانش‌آموختگان آکادمی است. او به‌عنوان مهم‌ترین شرق‌شناس اتریشی، از پایه‌گذاران و همچنین رئیس آکادمی علوم اتریش شد.



سویی تربیتی شرق‌گرای آکادمی همچنان در لوگوی آکادمی دیپلماتیک نمود دارد. روی مهر در کنار نخل و اهرام و «آنتولوژی پارس»، که آماده‌سازی‌اش در آکادمی صورت گرفته، نوشتاری فارسی نیز به چشم می‌خورد. معنای متن چنین است: «برای خداوند، برای پادشاه».

امپراتریس ماریا ترزیا در کنار پایه‌گذاری آکادمی شرق‌شناسی، که حاصل تغییر روابط بین‌الملل بود، در نوسازی و بهبود روابط دیپلماتیک خارجی نیز نقش داشت. آکادمی دیپلماتیک وین امروزه نیز فرصت آموزشی‌ای در اختیار دانش‌آموختگان جوان سراسر جهان می‌گذارد که ایشان را آماده‌ی پیشرفت در امور بین‌المللی می‌کند. ویژگی این دوره‌های آموزشی سطح بالای آکادمیک و تمرین بسیار فشرده زبان است. بدین ترتیب آکادمی به شکل هدف‌مند افرادی را برای بر عهده گرفتن وظایف دولتی در امور بین‌الملل و اقتصاد جهانی و نهادهای اتحادیه اروپا و سازمان‌های بین‌المللی و مردم‌نهاد پرورش می‌دهد.



حمیدرضا محمدی  
روزنامه‌نگار

تاریخ ادبیاتی که پورگشتال نوشت مرجمی شد برای اروپاییان دیگری که خواستند تاریخ ادبیات ایران را بنویسند

برت فراگنر، ایران‌شناس اتریشی مطالعات ایران‌شناسی در اتریش، سنتی درازدامن است و شاید بتوان یکی از نخستین کسان را «یوزف فون هامرپورگشتال» (Joseph von Hammer-Purgstall) دانست که یکی از پرکارترین شرق‌شناسان آلمانی‌زبان به‌شمار می‌آید. او در طول زندگی خود کتب مختلفی را درباره کشورهای شرقی و تاریخ و فرهنگ آن‌ها نگاشت و آثار زیادی را نیز به زبان آلمانی برگرداند و ترجمه بخش‌هایی از قرآن و دیوان حافظ به زبان آلمانی را در کارنامه خود دارد. او که در دوران تحصیل خود به آموختن زبان‌های ترکی عثمانی، عربی و فارسی پرداخت و پس از آن در آکادمی‌های مختلف شرق‌شناسی در اروپا فعالیت‌های مختلف علمی و پژوهشی داشت، چنان دل‌بسته زبان فارسی و فرهنگ ایرانی بود که حتی پیش از درگذشت در ۸۲ سالگی، خواست تا ابیاتی از حافظ بر سنگ مزارش حک شود. پورگشتال در تمامی زمین‌هایی که دست به تألیف زد، راهگشای نقطه‌ای ایران‌شناسان اتریشی که ایران‌شناسان اروپایی شد و حال، ساعت پنج عصر امروز (چهارشنبه، نهم خرداد)، به مناسبت دوست‌وین‌چاهمین زادروزش، هم‌زمان با مجموعه برنامه‌هایی که دولت اتریش در کشورهای مختلف مرتبط با او برگزار می‌کند، هفتصدچهل‌وسومین شب از سلسله شب‌های بخارا به بررسی زندگی

یوزف فون هامرپورگشتال نخستین رئیس آکادمی علوم اتریش بود. چطور شد او چنین وظیفه مهمی را بر عهده گرفت و گام در مطالعات ایرانی گذاشت، در حالی که در اروپا هنوز پژوهش‌چندانی درباره‌ی ایران صورت نگرفته بود؟

یوزف فون هامرپورگشتال (۱۸۵۶-۱۷۷۴) به سال ۱۸۴۷ همراه گروهی از دانش‌وران آکادمی سلطنتی علوم (امروز با نام: آکادمی علوم اتریش) را بنیان گذاشت. هدف از این کار گردآوردن دانش‌وران رشته‌های زیرمجموعه علوم طبیعی و علوم انسانی بود. آن زمان در اتریش چنین مجمعی وجود نداشت و هامرپورگشتال چنین کاری را برای اعتلای علوم در اتریش مهم می‌دانست. او برای پایه‌گذاری این آکادمی سخت کوشید و نخستین رئیس آن نیز شد (۱۸۴۷-۱۸۴۹). البته در هسته اصلی آکادمی ایران‌شناسی در کار نبود. نام‌گذاری رشته‌ای با نام ایران‌شناسی به سده بیستم بازمی‌گردد. برت فراگنر به سال ۲۰۰۳ انستیتوی ایران‌شناسی را پایه گذاشت. اینک آکادمی دارای ۲۶ انستیتو است.

با گذشت ۱۷۷ سال از بنیان‌گذاری آکادمی علوم اتریش، وضع کنونی آن و نقش ایران‌شناسی چون برت فراگنر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

آکادمی علوم اتریش از سال ۱۸۴۷ تاکنون بدل به بزرگ‌ترین نهاد پژوهشی برون‌دانشگاهی اتریش شده، با ۷۷ عضو بیرون و درون اتریش مجمع دانشوران بوده و نهادی پژوهشی ست دارای ۲۶ انستیتو و ۱۶۰۰ حامی پژوهش و با برنامه‌های معین برای بورسیه‌ی دکتری و پروژه تحقیقاتی (از جمله علوم انسانی دیجیتال)، علوم سیستم زمین، علوم میراث و علوم داده‌محور). برت فراگنر ایران‌شناسی برجسته و نامدار بود و انستیتوی ایران‌شناسی را بنیان گذاشت. اعضای زنده مایه افتخار آکادمی علوم‌اند. برت فراگنر عضوی کاردان و نیز مدیر انستیتوی ایران‌شناسی (۲۰۰۹-۲۰۰۳) بود.

آثار هامرپورگشتال در مطالعات ایران‌شناسی چه جایگاهی دارند؟ آیا هنوز دارای اهمیت‌اند؟

آثار هامرپورگشتال از لحاظ تنوع و وسعت هم‌چنان تأثیرگذارند. این آثار در پژوهش‌های معاصر دارای ارزش علمی تاریخی‌اند.

نسل جدید ایران‌شناسان چه اندازه یوزف فون هامرپورگشتال را می‌شناسند؟ دولت اتریش و آکادمی علوم اتریش چه میزان برای شناساندن او کوشیده‌اند؟

نسل تازه ایران‌شناسان چندان شناختی از هامرپورگشتال ندارند. دلیلش هم این است که آثارش امروزه فقط ارزش تاریخی دارند و ایران‌شناسی در ۱۵۰ سال گذشته گام‌های مهمی برداشته و سخت متحول شده است.

دیدگاه‌تان درباره سهم و روند اوج کار او درباره ایران چیست؟ جواب کوتاه به این سوال میسر نیست اما خدمت‌های هامرپورگشتال در مطالعات ایران‌شناسی در خلال پاسخ به پرسش‌های دیگر آشکار شد.

بهرتر است او را ایران‌شناس بدانیم یا اسلام‌شناس؟ هامرپورگشتال خود را شرق‌شناس می‌دانست. عنوانی‌هایی از قبیل ایران‌شناس و اسلام‌شناس از دل شرق‌شناسی آمده‌اند



و آثار این ایران‌شناس بزرگ اتریشی اختصاص یافته تا اهمیت او به‌عنوان مترجم قرآن و دیوان حافظ، و هم‌چنین مشارکتش در انتشار و فهم ادبیات اسلامی در کشورهای آلمانی‌زبان مورد توجه قرار گیرد که با همکاری انجمن فرهنگی اتریش در تهران، در مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی به‌نشانی میدان شهید باهنر (نیوران)، خیابان شهید پوراتبهاج (کاشانک)، نرسیده به سمره آجودانیه، شماره ۲۱۰ برپا می‌شود. به همین بهانه، خانم سیبیل و نکر (Sibylle Wentker) که از سال ۲۰۱۸، مدیر کتابخانه و آرشیو و هم‌چنین مدیر روابط بین‌الملل، بورس‌ها و جوایز و تأمین مالی پژوهش آکادمی علوم اتریش و یکی از برجسته‌ترین محققان در زمینه تاریخ و فرهنگ شرق است، به پرسش‌های مکتوب سازندگی پاسخ گفت. او تحصیلات خود را در رشته‌های عربی‌شناسی، تاریخ و ترک‌شناسی در وین به پایان رساند و از سال ۱۹۹۵ به عضویت مؤسسه تحقیقات تاریخی اتریش درآمد. در سال ۲۰۰۲، با نگارش پایان‌نامه‌ای درباره متن فیزیولوژی عربی، موفق به دریافت دکتری فلسفه شد. او که در پروژه‌های علمی مختلفی از جمله مطالعه شرق‌شناسی در دانشگاه وین شرکت داشته است، در سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۴ به‌عنوان دستیار در مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه وین فعالیت کرد. یک سال بعد، همکار علمی و کتابدار مؤسسه ایران‌شناسی آکادمی علوم اتریش (Institute for Iranian Studies at the Austrian Academy of Sciences) مشغول به کار شد و از سال ۲۰۱۸، علاوه بر این، ریاست کتابخانه و آرشیو آکادمی علوم اتریش را بر عهده دارد. یکی از مهم‌ترین آثار او که سال ۲۰۱۶ از سوی انتشارات آکادمی علوم اتریش منتشر شد، ویرایش ترجمه آلمانی «تاریخ و صاف» اثر هامرپورگشتال است.

و متعلق به سده بیستم‌اند و به کار بردن‌شان برای هامرپورگشتال صحیح نیست.

عمده تحقیقات او درباره نوشتارهای فارسی بود یا ترکی یا عربی؟ می‌دانیم که مدتی در قلمرو عثمانی و مصر کنونی و فلسطین گذراند و چندین اثر درباره تاریخ و فرهنگ عثمانی نوشت.

مجموعه آثارش عظیم است و از کتاب گرفته تا مقاله، شمارش سر به هزاران می‌زند. حوزه کارش گسترده بوده و شامل نوشته‌های فارسی و ترکی و عربی درباره تاریخ ادبیات و تاریخ و فرهنگ و مذهب می‌شود. کتاب «جلد۱۵ درباره تاریخ عثمانی با نام «تاریخ امپراتوری عثمانی» از همه مشهورتر بوده و با منابع پرشمار فارسی هنوز راهگشاست.

هامرپورگشتال چگونه به دربار اتریش راه یافت و در سفر ابوالحسن‌خان ایلچی مترجمش شد؟

هامرپورگشتال مدتی کارمند حکومت بود. پس از پایان تحصیل در آکادمی شرق‌شناسی وین (امروز: آکادمی دیپلماتی) چند سالی در دفتر سیاسی اتریش در استانبول گذراند. ۱۸۰۷ به وین بازگشت و به‌عنوان مترجم دربار اتریش میرزا ابوالحسن‌خان را همراهی کرد که در راهش به سمت لندن در وین توقف داشت و قیصر فرانتس یکم به شکل رسمی از او استقبال کرد.

می‌گویند ترجمه هامرپورگشتال از دیوان حافظ که سال ۱۸۱۸ منتشر شد توجه گوته را به این شاعر جلب کرد. چنان که در پیش‌گفتارش نوشت: «برای بوییدن گل‌های مشرقی باید به زادبوم‌شان رفت؛ به ایران، زیرا شاعر فارسی پادشاه ادبیات مشرق است».

ترجمه هامرپورگشتال از دیوان حافظ سبب شد گوته «دیوان غربی-شرقی» را بنویسد. این کتاب شرح سرستانه و احساسی حافظ از زبان گوته است. او حافظ را خویشاوند مشرقی‌اش می‌داند. هم‌چنین بخشی از توضیحات دیوان غربی-شرقی را به هامرپورگشتال پیشکش می‌کند.

ابیاتی از شعر حافظ که به خط فارسی روی سنگ قبر هامرپورگشتال نقش بسته حیرت‌انگیز است و نشان از دل‌بستگی فراوانش به ایران دارد. نظرتان در این باره چیست؟

او زمانی که از ابوالحسن‌خان ایلچی پادش گرفت بر آن شد سنگ قبرش را به سیاق شرقی بسازد. این سنگ قبر با بندهایی به زبان عربی و ترکی و فارسی و چند زبان اروپایی آراسته شده و نزدیک وین در گورستان وایدلینگ قرار دارد. در این گورستان او و همسرش کارولین دفن شده‌اند.

انتشار مجله «گنجینه مشرق‌زمین» چه اهمیتی دارد؟

هامرپورگشتال از ۱۸۰۹ تا ۱۸۱۸ مجله‌ای به نام «گنجینه مشرق» در ۶ جلد منتشر کرد. عنوان مجله به فرانسوی و عربی هم برگردانده شد. حامی مالی مجله، گراف و تیتسل فون ژوسکی، از دوستان هامرپورگشتال بود. محتوای مجله مقاله‌هایی با موضوعات مختلف مرتبط با شرق‌شناسی بود که بسیاری‌شان را خود هامرپورگشتال می‌نوشت. این مجله محفلی بزرگ از نویسندگان برجسته را گرد آورد و به همین سبب شهرت فراوان یافت اما درست

نیست ادعا شود که این نخستین مجله با موضوع شرق‌شناسی بود. به احتمال زیاد هامرپورگشتال مجله را با الگوبرداری از مجله هندی-انگلیسی «تحقیقات درباره آسیا» (۱۸۳۹-۱۷۸۸) که اشتراکش را نیز داشت طراحی کرد.

او نخستین کسی بود که تاریخ ادبیات ایران را به آلمانی نوشت. این کار و ترجمه‌های دیگرش از فارسی چه اهمیتی دارند؟ هامرپورگشتال سال ۱۸۱۸ «تاریخ هنر زیبای سسختوری فارسی» را منتشر کرد که نخستین تاریخ ادبیات فارسی در زبان آلمانی است. او در همین راستا، شماری از اشعار فارسی را ترجمه کرد. این ترجمه‌ها امروزه دیگر قبول عام ندارند. ترجمه مهم‌ترش برگردان «تاریخ و صاف» نوشته شرف‌الدین عبدالله شیرازی از سده چهاردهم منبع مهمی در حوزه تاریخ مغولان در ایران است.

بیش از ۱۶۰ سال از بنیان‌گذاری نخستین حضور رسمی اتریش در ایران می‌گذرد. روابط میان دو کشور در این سال‌ها چه اندازه جنبه فرهنگی داشته؟ برای این گفت‌وگوی فرهنگی در حال حاضر چه کاری بایست انجام داد؟

نخستین روابط علمی و سیاسی میان ایران و اتریش به سده نوزدهم بازمی‌گردد. یک پیمان دوستی به سال ۱۸۵۸ سنگ بنای نمایندگی دائم سیاسی دو کشور را گذاشت و ۱۵ سال بعد نخستین دیپلمات‌های دائمی رسماً آغاز به کار کردند. انجمن فرهنگی اتریش از ۶۵ سال پیش در زمینه تبادل فرهنگی میان ایران و اتریش فعالیت دارد. سال ۲۰۱۸-۲۰۱۹ ایران و اتریش رسماً ۱۶۰ سالگی روابط رسمی را با نمایش دوجانبه آرشیو در تهران و وین و نیز کنفرانسی در تهران جشن گرفتند. روابط علمی میان ایران و اتریش همواره خوب بود و نشانی‌ست بر این که علم می‌تواند نمایان‌گر پلی میان دو کشور و درک متقابل باشد.

وضعیت کنونی ایران‌شناسی در اتریش چگونه است؟

ایران‌شناسی در اتریش به لطف انستیتوی ایران‌شناسی آکادمی علوم اتریش بستر خوبی دارد. متن دورنمای انستیتو نمایان‌گر وسعت این رشته و حوزه تحقیقاتی‌اش در وین است: «انستیتوی ایران‌شناسی به پژوهش درباره ایران و فرهنگ‌ها و جوامع آسیایی متأثر از ایران می‌پردازد. کارکنان انستیتو در زمینه تاریخ و فرهنگ و زبان‌شناسی باستانی و زبان و ادبیات فعالیت دارند. دامنه زمانی دوران معاصر تاکنون است اگرچه زمان گذشته و پرسش‌های گانه‌شمارانه از مسیر زبان نیز مورد توجه‌اند. امروزه هسته کار پژوهشی از لحاظ جغرافیایی کشورهای فارسی‌زبان ایران و افغانستان و تاجیکستان است و نیز فرهنگ‌ها و جوامع قفقاز و مرکز و جنوب آسیا که از لحاظ تاریخی از ایران تأثیر پذیرفته‌اند، یا با آن ارتباط تنگاتنگ داشته‌اند و هم‌چنین اقلیت‌های ایرانی سراسر جهان است. تاریخ روابط فرهنگی میان سپهر ایران و سپهر آسیایی-اروپایی از کانون‌های دیگر پژوهش است. این انستیتوی ایران‌شناسی به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین نهادهای روش‌مند پژوهشی جهان در این حوزه وظیفه دارد هم‌وغم خود را بر تخصص و نظم و تبادل و تحول نوآورانه حوزه‌های تحقیق ایران‌شناسی و ادغام پرسش‌های وسیع این حوزه در گفت‌وگوی میان‌رشته‌ای با علوم تخصصی دیگر بگذارد.